

عنوان: نقش نیروی انتظامی برای مقابله با عملیات روانی

در پدافند غیر عامل

چکیده

در سالیان اخیر که جنگ و تهدید از مرزهای جغرافیایی فراتر رفته است و به درون شهرها کشیده شده است، پدافند غیرعامل به عنوان یکی از مؤثرترین و پایدارترین روش‌های دفاع همواره مورد توجه کشورها قرار گرفته است. امروزه با وقوع نسل ششم جنگ‌ها، ضرورت ارائه شیوه‌های جدید را برای مقابله با دشمن طلب می‌کند. یکی از ارکان دفاع غیرعامل، توجه ویژه به موضوع عملیات روانی در افکار عمومی و بسیج مردمی در محیط‌های داخلی و بیرونی است، که نیروی انتظامی یکی از عوامل مؤثر برای مقابله با عملیات روانی دشمن محسوب می‌شود. این تحقیق با هدف بررسی نقش نیروی انتظامی برای مقابله با عملیات روانی در پدافند غیرعامل در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی - فرهنگی می‌باشد.

روش بکار رفته در این پژوهش با توجه به نوع ماهیت و هدف، از نوع پژوهش‌های اسنادی است که روشی توصیفی و تحلیلی می‌باشد.

نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که وظیفه اصلی نیروی انتظامی برقراری نظم و امنیت در جامعه است. نیروی انتظامی با مبارزه با قاچاق و باندهای مرتبط با جرایم اقتصادی نقش ناجا را در ایجاد حماسه اقتصادی بر جسته می‌کند. در حال حاضر وهابیت از یک سو، رسانه‌های فاسد از سویی دیگر، مزدوران بیگانه و فرقه‌های ضاله از سوی دیگر مشغول فعالیت هستند و روی ایجاد نا امنی در جامعه سرمایه گذاری می‌کنند، بنابراین نیروی انتظامی با مشارکت مردم باید سعی در حفظ امنیت جامعه نماید.

کلید واژه: پدافند غیر عامل، عملیات روانی، نیروی انتظامی

۱- مقدمه و بیان مسئله

عملیات روانی پیشینه‌ای به قدمت تاریخ انسان دارد، چرا که انسان‌ها همواره برای تحت تأثیر قرار دادن طرف مقابل به شیوه‌ها و ترفندهایی متوسل شده‌اند. این نوع فعالیت‌ها و اقدامات در زمان‌های خاص همچون بحران‌ها، جنگ‌ها و نزاع‌های محلی به صورت‌های مختلف و گوناگون رخ داده است. در واقع، انسان‌ها پدیده تأثیرگذاری روانی و به‌کارگیری آن را در جنگ و صلح و سیاست (پدافند غیرعامل) به تازگی کشف نکرده‌اند، بلکه کمتر برهه‌ای از تاریخ حیات سیاسی و نظامی بشر را می‌توان یافت که فارغ از این عنصر باشد. پل لاین برگر پیشینه استفاده از عملیات روانی را به جنگ گیدئون با مادها نسبت می‌دهد. در این جنگ گیدئون بر خلاف رسوم نظامی زمان خود که هر دسته صد نفره یک مشعل داشت، به هر یک از سپاهیان مشعلی داد و این توهم را در ذهن دشمن ایجاد کرد که تعداد افرادش صد برابر میزان واقعی است. در نتیجه توانست بدون هیچ درگیری به پیروزی دست یابد. به یقین پیش از این واقعه و پس از آن، نمونه‌های متعدد دیگری از عملیات روانی سنتی را نیز می‌توان یافت. عملیات روانی امروزه برد وسیع و گسترده‌ای دارد. اگر عملیات روانی مانند آنچه در زمان گیدئون انجام می‌شد، حداکثر بر افراد حاضر در صحنه جنگ یا یک حمله موثر واقع می‌شد. اقدامات روانی تبلیغاتی امروزی، به دلیل بهره‌گیری از رسانه‌های الکترونیکی (از ماهواره گرفته تا رادیو) هم زمان می‌تواند تمام مردم کره زمین را مخاطب قرار دهد و انتظار واکنش از سوی آن‌ها را داشته باشد. جایگاه عملیات روانی نزد زمامداران، فرماندهان و مدیران اجرایی در عصر فناوری و ارتباطات آنچنان رشد

یافته که اندیشمندان علوم اجتماعی، سیاسی و نظامی آن را ابزاری در ردیف ابزارهای دیپلماسی، اقتصادی، نظامی و کشورداری در زمینه تحقق اهداف ملی قرار داده‌اند (نصر، ۱۳۸۱: ۹۸).

توجه به پدافند غیرعامل در سال‌های اخیر، روز افزون بوده است و موضوعات بسیاری نیز در این ارتباط مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ که یکی از این موضوعات عملیات روانی است. تحقیق حاضر به دنبال بررسی نقش و اقدامات عملیات روانی نیروی انتظامی در پدافند غیرعامل در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی- فرهنگی می‌باشد؛ که با ذکر مثال، عملیات روانی آمریکا بر علیه ایران در چند سال اخیر را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل می‌گیرد.

۲- کلیات و مفاهیم تحقیق

عملیات روانی: عملیات روانی، عملیات طراحی شده‌ای است برای انتقال اطلاعات و شاخص‌های انتخاب شده به مخاطبان خارجی به منظور تأثیرگذاری بر احساسات، هیجانات و انگیزه‌ها و در نهایت، رفتار حکومت‌ها، سازمان‌ها، گروه‌ها و افراد خارجی است (ابراهیمی خوسفی، ۱۳۸۷: ۷). برد ام وارد عملیات روانی را اقدامی می‌داند، که منجر به نفوذ در هیجان‌ها، نگرش‌ها و سرانجام در رفتار مخاطب هدف می‌شود (برد ام وارد، ۲۰۰۳: ۱۶). در تعریفی دیگر عملیات روانی به استفاده برنامه ریزی شده از تبلیغات و فعالیت‌های ارتباطی توسط یک دولت یا مجموعه‌ای از دولت‌ها تعریف شده که هدف از آن تأثیرگذاری بر نظرها، احساسات، موضع‌گیری‌ها و رفتارهای گروه دوست و دشمن یا بی طرف است به گونه‌ای که به تحقق

سیاست‌های دولت یا دولت‌های یاد شده و هدف‌های آن‌ها کمک کند (حکیم آرا، ۱۳۸۴: ۱۹۷).

پدافند غیر عامل: به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که مستلزم به‌کارگیری جنگ افزار و تسلیحات نبوده و با اجرای آن می‌توان از وارد شدن خسارات مالی به تجهیزات و تأسیسات حیاتی و تلفات انسانی جلوگیری نموده و یا میزان خسارات و تلفات را به حداقل کاهش داد (حسین شاهی، ۱۳۸۸: ۴). در تعریفی دیگر پدافند غیر عامل عبارت است از: مجموعه اقدامات غیر مسلحانه‌ای که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب پذیری، تداوم فعالیت‌های ضروری و ارتقای پایداری ملی در مقابل تهدیدات و اقدامات دشمن می‌شود (محمدی، ۱۳۹۱: ۱).

مرادی (۱۳۹۰) در تحقیق خود با عنوان «نگاهی نوین به عملیات روانی سخت و نرم» ضمن بررسی پیشینه عملیات روانی، با توجه به سیر تکامل به نقش نوین آن در دوره معاصر می‌پردازد و با بیان فعالیت‌ها و کارکردهای آن، نگرش‌ها و رویکردهای بحث را بر محور افکار عمومی متمرکز می‌کند. همچنین تحقیق حاضر ضمن ارائه روش‌ها و ویژگی‌های تحلیل افکار مخاطب، معیارهای کارآمدی عملیات روانی را بدست می‌دهد. حسنی (۱۳۸۷) در تحقیق خود با عنوان به «نقش عملیات روانی در جنگ ۲۰۰۳ با تاکید بر متقاعد سازی» پرداخته و تأثیر عملیات روانی در مجاب سازی شهروندان ایالت متحده، دولت‌های منطقه، جهان و سازمان‌های بین‌المللی برای حمایت از جنگ و در نهایت منزوی کردن صدام و تخریب روحیه ارتش عراق است را مورد بررسی قرار داد و نتایج نشان داد تأثیر عملیات روانی در متقاعد سازی افکار ملت آمریکا از

سیر صعودی برخوردار بود؛ به گونه‌ای که از ۳۱٪ در سال ۲۰۰۱ به ۷۵٪ در آستانه جنگ افزایش یافت.

دبیری مهر و ثاقب (۱۳۹۰) در تحقیق خود با عنوان «عملیات روانی بر علیه جمهوری اسلامی ایران در افق ایران ۱۴۰۴» به بیان حوزه‌های تأثیرگذاری عملیات روانی در ایران پرداخته‌اند. با توجه به سند چشم انداز ۱۴۰۴ در ایران، که ایران را به عنوان کشوری توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه به تصویر کشیده است؛ این تحقیق به شناخت عملیات روانی و ترسیم یک الگوی مدیریتی برای حصول به نتایج مطلوب پرداخته است.

مبانی نظری:

امروزه کاربرد برخی لغات نظیر پروپاگاندا، پروپاگاسیون، تبلیغ، تهییج، تحریک و اصطلاحات عملیات روانی، جنگ سرد، جنگ سیاسی، جنگ اعصاب، جنگ افکار، شست و شوی مغزی، تبلیغات بین‌المللی، عملیات کنترل افکار و پاره‌ای عناوین دیگر، هرچند در دامنه تعلق و زاویه نگرش و نوع تعریف با هم تفاوت‌هایی دارند، لیکن همه این مفاهیم زیرمجموعه یک موضوع و دیدگاه بزرگی هستند که تحت عنوان عملیات روانی از آن یاد می‌شود. هنوز تعریف واحدی که همگان بر آن اذعان داشته باشند برای عملیات روانی وجود ندارد و هرکس به تناسب دریافت‌ها تعریفی از آن ارائه می‌کند (براتی، ۱۳۷۶: ۵۵). در طول مدت کمتر از یک قرن تعاریفی متعدد از سوی محققان در مقاطع مختلف عرضه شده است که هر کدام بر اساس نگرش، قلمرو و حوزه نفوذ، حدی را برای آن قائل و مجاز شمرده‌اند.

انتشارات ستاد مشترک ارتش امریکا عملیات روانی را این‌گونه تعریف کرده است: «عملیات روانی، عملیاتی است که برای انتقال اطلاعات و نشانه‌های برگزیده شده، با هدف تأثیرگذاری بر هیجان‌ها، انگیزه‌ها، استدلال عینی مخاطبان خارجی، رفتار دولت‌های بیگانه، سازمان‌ها، گروه‌ها و یکایک افراد، طرح ریزی می‌شود» (بی‌نا، ۱۳۸۶: ۲۱).

عملیات روانی به فعالیت‌های برنامه ریزی شده روانی به منظور تأثیرگذاری بر نگرش‌ها و رفتار جهت دستیابی به اهداف سیاسی و نظامی تعریف شده است (مرادی، ۱۳۹۰: ۴).

اهداف عملیات روانی

عملیات روانی در ابعاد استراتژیک، تاکتیکی و تحکیمی صورت می‌گیرد و هر کدام آن‌ها هدف خاص خود را دنبال می‌کنند. عملیات روانی استراتژیک بیشتر برای پیشبرد اهداف گسترده و بلندمدتی طراحی می‌شوند که از طراح استراتژیک بزرگ حمایت می‌کنند. تأثیر ملموس عملیات روانی استراتژیک در آینده نامعلومی مشخص می‌شود. نیروهای عملیات روانی می‌توانند برای پشتیبانی از عملیات روانی استراتژیک سازماندهی شوند. با این حال اهداف عملیات روانی استراتژیک عبارتند از:

- حمایت و تشریح خطمشی‌ها
- آماج و اهداف سیاسی در خارج از کشور
- برقراری پیوند میان خط مشی‌ها و اهداف سیاسی با عواطف و افکار مخاطب مورد نظر
- تحریک افکار عمومی و اعمال فشارهای سیاسی موافق و مخالف یک عملیات نظامی

- نفوذ بر طراحی تاکتیک‌ها و استراتژی‌های خارجی
- دامن زدن به بحث و جدل‌های موجود بین نخبگان نظامی و سیاسی دو طرف
- متزلزل کردن رهبری و اهداف طرف مقابل
- تضعیف روحیه و کارایی شهروندان غیر نظامی طرف مقابل
- تشدید اختلاف نظر و گلايه و شکایت در میان افراد طرف مقابل در زمینه‌های مذهبی، اجتماعی، سیاسی و ... (رفیع و جولده قریبی، ۱۳۹۰: ۲۹).

عملیات روانی در جنگ‌های معاصر

اهمیت عملیات روانی در جنگ‌های معاصر افزایش یافته است. سبب این افزایش دو عامل است: عامل نخست، همچنان که مورگنتا اشاره می‌کند، این است که در دویست سال اخیر بین‌الملل گرایی اشرافی جای خود را به ناسیونالیسم و ایدئولوژی‌های رقیب داده است. ضمن آنکه گروه‌های زیادی در امور حکومتی درگیر شده‌اند. عامل دوم آن است که سلاح‌های هسته‌ای، احتمال جنگ‌های تمام عیار را برای حل مسائل سیاسی کاهش داده‌اند و با گذشت زمان معلوم شده است که هزینه عملیات روانی بخش کوچکی از درگیری‌های نظامی را تشکیل می‌داد، اما امروز در جنگ سرد، ابعاد نظامی به بخش ناچیزی از عملیات روانی تبدیل شده است. جنگ‌های کوچک و حرکت‌های انقلابی در کشورهای جهان سوم، بحران‌هایی هستند که نمی‌توان تنها با استفاده از نیروهای نظامی با آن‌ها مقابله کرد. این بحران‌ها، ابعاد سیاسی، اقتصادی و روانی مهمی دارند (اسکناسی، ۱۳۷۷: ۱۸۱).

پدافند غیرعامل

در سالیان اخیر که جنگ و تهدید از مرزهای جغرافیایی فراتر رفته است و به درون شهرها کشیده شده است، پدافند غیرعامل به عنوان یکی از مؤثرترین و پایدارین روش‌های دفاع همواره مورد توجه کشورها قرار گرفته است (کاکاوند، ۱۳۹۱: ۷). امروزه با وقوع نسل ششم جنگ‌ها، ضرورت ارائه شیوه‌های جدید را برای مقابله با دشمن طلب می‌کند. برخورد مستقیم با دشمن در جبهه‌های عملیاتی و استفاده از سلاح‌هایی که از اسلحه سرد گرفته تا بمب اتم در تاریخ بشر توسعه یافته است، شیوه جنگ و مبارزه در نسل‌های گذشته بوده است. امروزه سیستم‌های کنترل و فرماندهی عملیات پیشرفته، شیوه جدیدی از جنگ‌ها را مطرح کرده و هدف گیری و انهدام زیرساخت‌های حیاتی طرف مقابل و نفوذ در عقاید و باورهای اساسی و مشترک مردم را از طریق عملیات روانی و تبلیغات، هدف اصلی محسوب می‌گردد (بخشی و حسن زاده دهقان، ۱۳۸۹).

پایداری یک کشور در مقابل تهدیدات دشمن، که هر زمان ممکن است به یک جنگ تمام عیار تبدیل شود صرفاً با اتکا به جنگ افزار و نیروی نظامی مقدور نخواهد بود و دفاع همه جانبه در مقابل هرگونه تجاوز، راه مقابله است. بحث پدافند غیرعامل به معنای مجموعه اقداماتی که بدون اتکا به تسلیحات نظامی بتواند باعث به حداقل رساندن آسیب پذیری مجموعه‌های حیاتی، حساس و مهم کشور و حفظ سرمایه‌های اصلی نظام گردد؛ یکی از مؤثرترین روش‌ها برای حفظ و ارتقای قدرت پایداری و بالا بردن آستانه مقاومت ملی در مقابل این تهدیدات است (چالوک و کلینی، ۱۳۹۱).

در عصر حاضر از انواع دفاع، دو نوع آن بیشتر متداول و مورد استفاده می‌باشد: دفاع عامل و دفاع غیرعامل.

در اصطلاح نظامی دفاع عامل (پدافند عامل) به دفاعی اطلاق می‌شود که با استفاده از جنگ افزار مناسب و موجود صورت می‌گیرد، اما در دفاع غیرعامل (پدافند غیرعامل) از جنگ افزار خبری نیست، بلکه نوعی از دفاع است که در آن استفاده از جنگ افزار و سلاح جایگاهی ندارد. اگر بخواهیم تعریف کامل‌تری از پدافند غیرعامل داشته باشیم، می‌توانیم بگوییم: «پدافند غیرعامل عبارت است از مجموعه اقداماتی که بدون استفاده از سلاح می‌توان انجام داد، تا از تلفات جانی به افراد و صدمه و زیان اقتصادی به تجهیزات و تأسیسات نظامی و غیرنظامی کشور جلوگیری نموده و یا آن‌ها را به حداقل کاهش داد». به تعبیری دیگر، پدافند غیرعامل عبارت است از مجموعه اقدامات غیر مسلحانه که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب پذیری، تداوم فعالیت‌های ضروری، ارتقای پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدات و اقدامات نظامی دشمن می‌شود. پدافند غیر عامل اقدام‌هایی است که با انجام آن‌ها و بدون استفاده از سلاح و درگیری با دشمن می‌توان پایداری را افزایش و ضایعات و خسارات را تا حد زیادی کاهش و در مواردی حتی به صفر رسانید (نیازی تبار، ۱۳۸۷: ۵).

اهداف پدافند غیرعامل

- حفظ تمامیت ارضی، امنیت ملی و استقلال کشور، کاهش قابلیت و توانایی سامانه‌های شناسایی، هدف یابی و دقت هدف گیری تسلیحات آفندی دشمن و سلب

آزادی، ابتکار عمل از دشمن و همچنین ایجاد شرایط سخت و دشوار برای وی در
صحنه عملیات

- توزیع ثروت، جمعیت و سرمایه‌های ملی در کل فضای سرزمینی کشور از طریق
اعمال سیاست تمرکز زدایی، آمایش سرزمینی و پراکندگی زیرساخت‌ها و مراکز حیاتی
(موحدی نیا، ۱۳۸۸: ۱۲).

- جلوگیری از تخریب تأسیسات کشور و تحمیل هزینه بیشتر به دشمن از طریق وادار
نمودن وی به تلف نمودن منابع محدود خود بر روی اهداف کاذب و فریبنده و سلب
اصل صرفه جویی قوا از وی (سلیمانی، بی تا: ۱۵).

- افزایش آستانه مقاومت مردمی و قوای خودی در برابر تهاجم‌های دشمن
- کاهش مجموعه آسیب پذیری های کشور و نمایان نمودن اقتدار ملی ناشی از آن به
عنوان یکی از مؤلفه های بازدارندگی
- توسعه کمی و کیفی نیروی انسانی متخصص
- فرهنگ سازی و آموزش در مورد پدافند غیرعامل با هدف به حداقل رساندن آسیب
پذیری ها (بخشی و حسن زاده دهقان، ۱۳۸۹).

۳- روش شناسی تحقیق

این پژوهش با توجه به نوع ماهیت و هدف، از نوع پژوهش‌های اسنادی است که
روشی توصیفی و تحلیلی می‌باشد. در این پژوهش اطلاعات، برگرفته از مطالعه اسناد
مانند آرشیوهای کتابخانه‌ای و آمار رسمی می‌باشد و پژوهش حاضر به روش توصیفی
و تحلیلی انجام پذیرفته است.

۴- یافته‌های تحقیق

استفاده صحیح از عملیات روانی، یک عامل تأثیر گذار در پدافند غیرعامل است. این عملیات کم هزینه و بسیار تأثیرگذار است. یکی از ارکان دفاع غیرعامل، توجه ویژه به موضوع عملیات روانی در افکار عمومی و بسیج مردمی در محیط‌های داخلی و بیرونی است. رویکردهای نامتقارن می‌توانند با به‌کارگیری ماهرانه عامل روانی، تأثیر قدرتمندی داشته باشند. این رویکردها که مستقیماً اراده دشمن را هدف قرار می‌دهند، می‌توانند کمبود تجهیزات یا دیگر کاستی‌ها را جبران کنند و بر افکار، عقاید و باورهای مردم نفوذ کنند و در جهت مورد نظر حرکت کنند (جوانمرد و یوسفی، ۱۳۸۷: ۲).

عملیات روانی که توسط دشمن صورت می‌گیرد، رویکردی نوین در عرصه اعمال قدرت به شمار می‌رود و جایگزین و مکملی برای قدرت سخت می‌باشد که بسیار هزینه بر، زمان بر، طاقت فرسا و دارای جغرافیای محدود است. عملیات روانی، عملیاتی است که در تلاش است تا بخش‌های وسیعی از جغرافیای انسانی و محیطی را در مدت زمان کمتر، با هزینه‌های به مراتب پایین‌تر و سریع‌تر تحت تأثیر افکار و اهداف خود قرار دهد. بدون تردید بی‌اطلاعی و عدم اشراف از زمینه‌ها و زوایای این سناریوها موجب استمرار و تأثیرگذاری آن‌ها بر حوزه منافع و امنیت ملی خواهد شد و کشور را با چالش‌هایی مواجه خواهد ساخت (دبیری مهر و ثاقب، ۱۳۹۰: ۲).

بر اساس دکترین عملیات روانی ناتو «عملیات روانی، سلسله فعالیت‌های روان‌شناسانه ای را شامل می‌شود که در زمان صلح، بحران و جنگ برای تأثیرگذاری بر نگرش و رفتار مخاطبان بی طرف، خودی و دشمن طرح‌ریزی شده و در روند دستیابی به اهداف سیاسی و نظامی مؤثرند.» تعریف مزبور یکی از جامع‌ترین تعاریف عملیات روانی است؛ با این وجود، اهداف عملیات روانی را نباید فقط در دو حوزه سیاسی و

نظامی محدود نمود. اهداف مورد نظر با توجه به سطح به کار گیری عملیات روانی (تاکتیکی یا راهبردی) و منافع مورد نظر کاربران آن، می‌تواند سیاسی - دیپلماتیک، نظامی - امنیتی، فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی و یا ترکیبی از چند مورد از این هدف‌ها را شامل شود. مقصود همه عملیات‌های روانی، تأثیر بر هیجانات، احساسات و عواطف است تا بتوانند از این طریق افکار و تمایلات طرف مقابل را بر اساس خواسته‌های خویش شکل و جهت دهند و آن‌ها را با خود و اهدافشان همراه سازند. از سوی دیگر، گروه مخاطبان عملیات روانی، دوست، دشمن و بی‌طرف می‌باشد یعنی اینکه متولیان عملیات روانی علاوه بر دشمن، افراد بی‌طرف و دوست را نیز مورد تهاجم اقدامات روانی خود قرار می‌دهند.

در هر صورت چیرگی بر قلب، احساس، گرایش و اذهان مخاطب را می‌توان کارکرد اصلی عملیات روانی دانست و به طور خلاصه می‌توان گفت که در عملیات روانی، هدف بدن انسان نیست بلکه فکر اوست که در نهایت منجر به تصمیم‌گیری و رفتار می‌شود (کیل بین، ۱۳۸۸: ۲۱۴).

عملیات روانی در دفاع غیرعامل می‌تواند پیامدهای به شرح ذیل را به دنبال داشته باشد:

- روحیه دشمن را کاملاً تضعیف و دشمن را آماده شکست نماید و انگیزه دفاع را از ملت حریف بگیرد.

- نیروی خودی را بسیار قوی جلوه دهد و البته این اقدام خود می‌تواند به عنوان یک اهرم بازدارنده عمل کند.

- افکار عمومی ملت خودی را آماده هرگونه فداکاری در جهت رسیدن به اهداف نماید.

- بسیار کم هزینه و پرفایده باشد (جوانمرد و یوسفی، ۱۳۸۷: ۲).

با توجه به نقشی که عملیات روانی در پدافند غیر عامل دارد، در تحقیق حاضر به بررسی عملیات روانی کشور آمریکا و دولت‌های غربی بر علیه ایران در چند سال اخیر می‌پردازیم. سپس عملیات روانی نیروی انتظامی را در پدافند غیرعامل در چهار حوزه سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی - اجتماعی مورد بررسی قرار خواهیم داد.

الف: حوزه سیاسی: حوزه سیاست از محورهای اصلی عملیات روانی به

شمار می‌رود و طیف وسیعی از موضوعات را در برمی‌گیرد. اما دو موضوع «حقوق بشر و دموکراسی» بسیار مورد توجه رسانه‌های دشمن است. روزی نیست که رسانه‌های غربی این دو مؤلفه را به صورت مستقیم و غیر مستقیم در کانون توجهات خود قرار ندهند. هر روز صحبت از نقض حقوق بشر و فقدان دموکراسی در ایران است و رسانه‌ها به شدت بر این موضوع مانور می‌دهند. بنابراین می‌بایست با شناخت نقاط ضعف درصدد رفع آن‌ها برآمد و از موضع پدافندی صرف خارج شد و فرصت‌هایی را برای اقدامات آفندی و پدافند غیرعامل فراهم کرد. حقوق بشر به صورت ساده حقوقی است که همه انسان‌ها به واسطه انسان بودن مستحق آن هستند. لفظ حقوق بشر آنچنان جذاب است که هر کشوری خود را طرفدار و داعی آن می‌داند و دشمنان خود را به نقض آن متهم می‌سازد و در صحنه بین‌المللی کشورهای قدرتمند برای موجه جلوه دادن اقدامات خود و نیز کسب وجهه بین‌المللی از این لفظ بسیار بهره‌جسته‌اند (ابراهیم زاده، ۱۳۷۴: ۱۵۷۳). باید توجه داشت اهمیت حقوق بشر از این رو است که دارای یک بعد مداخله‌گرایانه می‌باشد و می‌توان از ظرفیت‌های آن برای نفوذ بهره‌جست، چرا که باعث می‌شود عملکرد داخلی به یک موضوع بین‌المللی تبدیل شود و از این رو می‌توان با صراحت اذعان داشت که حقوق بشر با امنیت و

حاکمیت مرتبط است؛ بنابراین حقوق بشر به خودی خود از پتانسیل لازم برای قرار گرفتن در ردیف محورهای عملیات روانی برخوردار است و میل انسان به آزادی و رهایی از قید و بندها، دست دشمنان را برای استفاده ابزاری از حقوق انسان‌ها فراهم می‌آورد.

بیشترین حجم عملیات روانی رادیو فردا و رادیو صدای آمریکا در برخورد با ایران به مسأله حقوق و آزادی‌های مردمی مربوط است که تا حدودی شامل محورهای نقض حقوق بشر، نقض حقوق اقلیت‌ها، فقدان آزادی بیان، محدود ساختن مطبوعات، سرکوب اهل هنر، انتخابات غیر دموکراتیک و نارسایی قانون اساسی باز می‌گردد. (ریاحی، ۱۳۹۰: ۱۸۱). در برخی موارد حتی اقدام علیه تروریست‌ها مانند گروهک‌های تروریستی «ریگی و پژاک» که بر ضد امنیت ملی ایران اقدام نموده‌اند نیز به عنوان نقض حقوق بشر منعکس می‌شود و تروریست‌ها به عنوان فعالان سیاسی آزادی خواه؛ به تصویر کشیده می‌شوند.

یکی دیگر از موضوعات مناسب برای عملیات روانی مسأله دموکراسی است، چرا که به زعم غرب به جهت مقبولیت جهانی و جایگاه رفیعی که این ارزش جهان شمول دارد از پتانسیل بالایی برای عملیات روانی برخوردار است. ساموئل هانتینگتون معتقد است، که غرب می‌بایست به طور هماهنگ از عرضه دموکراسی در جوامع اسلامی حمایت کند (صالحی امیری، ۱۳۸۷: ۱۱۶)؛ و بدین منظور نهادهایی برای ترویج دموکراسی نظیر بنیاد دفاع از دموکراسی تأسیس شده است که به شدت در موضوعات رسانه‌ای فعال می‌باشند. برداشت غرب از دموکراسی ضمن اشتراکات، معنایی متفاوت از برداشتی است که ما از مردم سالاری دینی داریم و همین عامل بستر یک تضاد را فراهم می‌آورد. تضادی که دشمنان در عملیات روانی خود از آن بسیار بهره می‌برند.

نیروی انتظامی چه در شرایط بحرانی و چه در شرایط عادی، نقش اساسی در برقراری نظم و امنیت در جامعه دارد. نیروی انتظامی برای خنثی سازی عملیات روانی دشمن در حوزه سیاسی شامل حقوق بشر و دموکراسی، می‌بایست در برابر بی‌نظمی‌های جزئی و کم‌اهمیت، با بردباری و با ملایمت از برخورد سرکوب‌گرایانه و خشن خودداری نماید و با برخورد قانونی و توأم با ملایمت شرایط را به حالت عادی برگرداند. حتی در زمان هرج و مرج و بی‌نظمی‌ها در ابعاد وسیع‌تر، نیروی انتظامی می‌بایست با حفظ و رعایت حقوق طبیعی افراد جامعه به طور مساوی با اقدامات برنامه‌ریزی شده و سنجیده، در کوتاه‌ترین زمان ممکن نظم و امنیت را در جامعه برقرار نماید و مانع از بروز درگیری‌ها و هرج و مرج‌ها در ابعاد گسترده در جامعه و بالطبع استفاده رسانه‌ای دشمن از این موقعیت برای نمایش این موضوع که در ایران حقوق طبیعی افراد جامعه نقض می‌شود و دموکراسی و آزادی‌اندیشه و بیان در جامعه وجود ندارد، شوند. نیروی انتظامی می‌تواند با برخوردهای غیر سرکوب‌گرایانه، تا حد امکان با ملایمت و با افزایش آستانه تحمل خود و در چارچوب قانون در برابر اعتراضات و جنبش‌های اجتماعی، امکان هرگونه سوء استفاده دشمن را متفی سازد. نیروی انتظامی همچنین باید به مناطق مرزی و قومی کشور توجه بیشتری نمایند. این نهاد امنیتی باید تحت برنامه ریزی معقولانه و منعطف و مدیریت کارآمد، از برخوردهایی که می‌تواند منجر به نارضایتی‌های دامنه دار و بهانه‌ای برای مخالفان و دشمنان شود، خودداری کنند و از این طریق تا حد زیادی تهدیدهای ناشی از تفرقه افکنی دشمنان را خنثی کنند.

یکی از مهم‌ترین نهادهایی که نیروی انتظامی می‌تواند در این زمینه با آن تعامل دوسویه داشته باشد، رسانه‌های جمعی هستند. رسانه‌ها در عرصه‌های مختلف سیاسی و امنیتی

و به طور مثال در حوزه انتخابات، در جهت دهی و امید بخشی به مردم نقش موثری دارند و برای مقابله با نگاه مغرضانه رسانه‌های بیگانه، نیاز است رسانه‌ها و نیروی انتظامی، در کنار یکدیگر قرار گیرند. نقش مهم رسانه‌های داخلی، مقابله با عملیات روانی رسانه‌های بیگانه است. رسانه‌های بیگانه با قصد و غرض، هدف ایجاد تشنج و یأس و ناامیدی و ناباوری نسبت به مسئولان نظام را دنبال می‌کنند تا حماسه سیاسی حضور در انتخابات را تحت‌الشعاع قرار داده و در اذهان عمومی چنین وانمود کنند که نظام جمهوری اسلامی، برای انتخابات اقدامات از پیش تعیین شده‌ای دارد و در جریان برگزاری انتخابات، دموکراسی و آزادی را در نظر نگرفته است.

ب: حوزه اقتصادی: اقتصاد به خودی خود در زمره قدرت سخت قرار می‌گیرد اما نقش مهمی در تقویت قدرت نرم یک کشور ایفا می‌نماید و عملیات روانی صورت گرفته در این حوزه دارای تأثیرات پیچیده‌ای است. به عنوان مثال رسانه‌ها به عنوان ابزار عملیات روانی قادرند میزان اعتماد به ساختار یک کشور را تا حدی افزایش یا کاهش داده و زمینه را برای سرمایه‌گذاری و یا فرار سرمایه فراهم آورند. عملیات روانی در این حوزه به دنبال بزرگ‌نمایی نارسایی‌های اقتصادی و برقراری ارتباط بین مشکلات اقتصادی و ناکارآمدی حکومت است. موضوعات مربوط به مسایل معیشتی و تورم و اشتغال در کانون توجه رسانه‌ها قرار دارد. مسایلی که پتانسیل گسترش نارضایتی را دارا است و می‌تواند اعتماد و پشتیبانی از نظام را با چالش مواجه سازد. از سوی دیگر با طرح مباحثی همچون انزوای اقتصادی، تحریم اقتصادی، وابستگی اقتصادی، فساد اقتصادی و ناامنی سرمایه‌گذاری سعی در تشدید فشار روانی بر اقتصاد و جامعه ایران دارد، به گونه‌ای که آینده‌ای مبهم و نگران‌کننده از ایران به تصویر آید. این رسانه‌ها حتی طرح تحول اقتصادی که می‌تواند کشور را از ساختار یارانه‌ای نجات

دهد را با به کار گیری عبارات «حذف یارانه‌ها» و «آزاد سازی قیمت‌ها» تحریف می‌کنند.

یکی از نمونه‌های مناسب برای بررسی عملیات روانی دشمنان در عرصه اقتصاد، پررنگ نشان دادن جلوه و تأثیر «تحریم‌ها» است، هرچند تحریم‌ها می‌تواند از سطوحی از تأثیرگذاری برخوردار باشد اما آن‌ها در نگاه رسانه‌ای از تحریم‌ها تصویری بیشتر کشنده و تأثیر گذار ارایه می‌دهند. به عنوان مثال رادیو فردا با گزارش «مسدود ماندن میلیاردها دلار پول ایران در کره جنوبی به دلیل تحریم‌ها» سعی در القای تأثیر سنگین تحریم‌ها دارد. تحریم اقتصادی اقدام برنامه ریزی شده یک یا چند دولت از طریق محدود کردن مناسبات اقتصادی برای اعمال فشار بر کشور هدف با مقاصد مختلف سیاسی است. باید توجه داشت که هر تحریمی با هدفی صورت می‌پذیرد و دسترسی به هدف مشخص می‌نماید که آیا تحریم‌ها اثر گذار بوده یا نبوده است. برخی موضع گیری‌ها مانند اعلام محرمانه بودن رقم تورم یا تأخیر در اعلام رشد اقتصادی کشور بر تأثیر گذاری عملیات روانی دشمن می‌افزاید. برخی منازعات و بگو مگوهای مقامات و نهادهای کشور بر سر مسایل اصلی اقتصادی نیز سوژه مناسبی به رسانه‌های دشمن می‌دهد تا با زمینه بهتری به عملیات روانی علیه ایران پردازند. برخی دیگر از اهداف محوری عملیات روانی در حوزه اقتصاد که برای آن‌ها می‌توان مصادیق فراوانی ذکر کرد عبارتند از: ناکارآمدی نظام اقتصادی کشور، دخالت بی ضابطه سپاه در فعالیتهای اقتصادی، غیر رقابتی بودن فعالیتهای اقتصادی سود آور، عدم شفافیت‌های درآمدهای نفتی، وابستگی مطلق کشور به درآمدهای نفتی و آشفستگی در آمارهای پایه اقتصادی (دبیری مهر و ثاقب، ۱۳۹۰: ۲۴).

نیروی انتظامی سازمانی است که ارتباط دائمی و مستمری با لایه‌های مختلف افراد جامعه دارد و با آن‌ها تعاملات دوسویه ای دارد. سرمایه به عنوان موجودی هوشمند، در جایی که امنیت وجود داشته باشد، گسیل می‌شود و به عنوان یکی از عوامل شکل دهنده بسترهای اقتصادی در جامعه است. مبارزه با قاچاق و باندهای مرتبط با جرایم اقتصادی نقش ناجا در ایجاد حماسه اقتصادی را برجسته می‌کند. حضور ناجا از مبدأ تولید کالا تا مصرف و همچنین صادرات همواره ملموس است، مسأله مهمی که در حوزه اقتصادی در حال حاضر به وجود آمده، حضور شرکت‌های هرمی است که نقش نیروی انتظامی را با مشارکت سیستم قضایی بیش از پیش پر رنگ کرده است. نیروی انتظامی و دستگاه‌های قضایی می‌توانند با تعامل دو سویه و اقدامات منطقی و برنامه ریزی شده، شرکت‌های هرمی را از بین ببرند.

در زمان وجود تحریم‌ها و بالطبع به وجود آمدن تنگناها و مشکلات اقتصادی، ممکن است اعتراضات و هرج و مرج‌هایی در جامعه از سوی برخی افراد یا گروه‌ها بروز نماید. در این شرایط نیروی انتظامی با توجه به تعاملات همسو با افراد جامعه، می‌تواند به عنوان یک نیروی مردمی به بسیج مردم در حوزه اقتصادی و بر اقتصاد مقاومتی تاکید کند و به عنوان نقش هماهنگ کننده عمل نماید. در صورت بروز بی‌نظمی‌ها در جامعه، نیروی انتظامی می‌تواند با استفاده از مکانیزم‌های قانونی توأم با ملایمت و بردباری وارد عمل شود.

ج: حوزه امنیتی: «پرونده هسته‌ای ایران و حمایت از تروریسم» دو موضوع

و در واقع اتهامی است که در حوزه مسایل امنیتی به شدت به آن پرداخته می‌شود. با پیروزی انقلاب اسلامی، غرب با محوریت ستیز و تقابل با ایران را در دستور کار خود قرار داد و اقدامات نظامی و اقتصادی گسترده‌ای را علیه ایران پیش گرفت، اما ناکامی

در دسترسی به اهداف باعث گردید عملیات روانی جایگزین اقدامات نظامی گردد. یکی از موضوعات اساسی در عملیات روانی غرب، مسأله هسته‌ای است که هم دارای ابعاد سیاسی است و هم از منظر حقوقی، فنی و اقتصادی می‌تواند مورد تحلیل واقع شود. اما کانون بحث بر استفاده رسانه‌ای، تبلیغی و روانی از پرونده هسته‌ای برای دستیابی به منافع ملی دول غربی و رقبا است. موضوع هسته‌ای یکی از محورهای برجسته عملیات روانی غربی علیه جمهوری اسلامی است که مانورهای گسترده‌ای بر روی آن صورت می‌پذیرد و موضوع مهم این است که آن‌ها چه تصویری از ایران به جهان ارائه می‌دهند و تا چه میزان تصویر ارائه شده با واقعیت منطبق است. غربی‌ها می‌خواهند با قرار گرفتن پرونده هسته‌ای ایران در دستور کار و القای غیر صلح‌آمیز بودن فناوری هسته‌ای و اینکه ایرانی‌ها در تلاشاند تا بمب اتمی بسازند، نشان دهند که امنیت و ثبات منطقه‌ای و جهانی از طرف ایران در معرض خطر قرار دارد و اگر اقدامی صورت نگیرد جنبش‌های بنیادگرا و تروریست‌ها تحکیم خواهند شد (دبیری مهر و ثاقب، ۲۵:۱۳۹۰).

یکی از تکنیک‌های رسانه‌ای و عملیات روانی در حوزه سیاسی، بهره‌گیری از بار منفی واژه‌ها، کلمات و مفاهیم حساسیت برانگیز در افکار عمومی می‌باشد. نسبت دادن خشونت طلبی، بنیادگرایی و در کانون شرارت قرار دادن جمهوری اسلامی از این دست اقدامات است. همچنین می‌توان از سیاه‌نمایی و القای ترس از خطر فن‌آوری موشکی یاد نمود. تکرار مداوم جنبه‌های منفی یک قضیه نظیر غیر صلح‌آمیز خواندن فعالیت‌های هسته‌ای و انگاره سازی‌های هدفمند نظیر قرار دادن اسلام سیاسی در کنار خشونت طلبی و نازیسم از این دست اقدامات می‌باشد. در مجموع نقطه کانون عملیات روانی در برخورد با ایران، القای این نکته به افکار عمومی دنیا و سران

کشورهای جهان به ویژه خاورمیانه است که ایران با انگیزه سیطره طلبی، درصدد کسب رهبری خاورمیانه و بر هم زدن معادلات امنیتی از راه دستیابی به تسلیحات اتمی است. (ریاحی، ۱۳۹۰: ۵۱) از برخی موارد دیگر مانند القای فقدان امنیت عمومی، گسترش بحران‌های قومی، مرزی، وجود تبعیض امنیتی بین شهروندان و فضای تهدید دائمی کشور از سوی قدرت‌های بزرگ به عنوان اهداف عملیات روانی دشمن در حوزه سیاسی می‌توان نام برد.

نیروی انتظامی باید با استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی را در جامعه به وجود آورد و با مقابله و مبارزه قاطع و مستمر با هر گونه خرابکاری، تروریسم، شورش و عوامل و حرکت‌هایی که مخل امنیت کشور باشد، مبارزه کند. یکی از مهم‌ترین نهادهایی که نیروی انتظامی می‌تواند در جهت برقراری نظم و امنیت با آن تعامل داشته باشد، رسانه‌های جمعی می‌باشند.

نیروی انتظامی به عنوان یک سازمان اجتماعی، هدفی بزرگ تحت عنوان برقراری امنیت اجتماعی و سیاسی را دنبال می‌کند که برای تحقق این هدف، لازم است با همه نهادهای کشور از جمله رسانه‌ها تعامل داشته باشد. هم اندیشی با رسانه‌ها، موجب می‌شود بتوانیم برنامه ریزی منسجم و سازماندهی ماندگاری داشته باشیم تا مقابله‌ای منطقی، علمی و کاملاً موثق در برابر تهدیدهای رسانه‌های بیگانه انجام شود. رای متحد شدن رسانه در مقابل عملیات روانی رسانه‌های بیگانه که اندیشه‌هایی پوچ در افکار خود دارند، باید دستگاه‌های امنیتی در کنار رسانه‌ها، با هوشیاری حلقه‌ای مقابله‌ای و امنیتی به وجود آورند. عملکرد رسانه‌های داخلی باید به گونه‌ای باشد که مردم به منظور فراگیری اخبار روز، به رسانه‌های استانی و کشوری مراجعه کنند و ناگزیر به سوی رسانه‌های بیگانه نروند و متأثر از کذب گویی‌ها و القای نظرات بیگانگان، دست

به حرکتی نزنند و تحت تأثیر عملیات روانی آن‌ها قرار نگیرند. مدیریت مقابله با حرکت‌های سوء و عملیات‌های روانی دشمن که قصد ترغیب مردم را دارند، ضروری است. اکنون شاهدیم که رسانه‌های بیگانه برای رسیدن به این هدف، گزارش‌های کذب از برخی حادثه‌های کشور می‌دهد و حتی از یک سانحه تصادف، موضوع سیاسی بزرگی می‌سازند. بنابراین نیروی انتظامی باید با همکاری و مشارکت با سایر دستگاه‌های امنیتی و با اقدامات برنامه ریزی شده و سنجیده به خنثی سازی عملیات روانی دشمن پردازد و نظم و امنیت را در کشور به وجود آورد.

د: حوزه فرهنگی و اجتماعی: حوزه فرهنگ و اجتماع با تمام

پیچیدگی‌هایش یکی از اهداف مهم عملیات روانی است، به ویژه اگر جامعه‌ای دارای تکثر و تنوع زبانی، قومی و مذهبی باشد بستر مناسبی برای عملیات روانی به شمار می‌رود. چرا که می‌تواند باورهای پیشین را تضعیف و جامعه را برای باورپذیری آموزه‌های جدید آماده سازد. امروزه فرهنگ، هویت، ارزش‌ها و هنجارها به عنوان رکن اساسی در توسعه‌یافتگی ملت‌ها، نه تنها مورد نظر پژوهشگران قرار گرفته است، بلکه سیاستمداران نیز بر آن توجه خاص می‌نمایند. چرا که ساختارهای هنجاری، ایده‌ای و فکری همانند ساختارهای مادی اهمیت دارد و باعث تعریف محیط مادی برای بازیگران می‌شوند. کنش‌گران به این دلیل رفتار معینی را پیش می‌گیرند که برداشت‌های معینی از محیط اجتماعی و سیاسی خود به دست می‌آورند و با توجه به اینکه کنشگران فرض‌هایی درباره محیط خود و پیامدهای کنش‌های خود دارند، بنابراین تصورات و برداشت‌های آنان از محیط بر روی طرز رفتار آنان بسیار تأثیرگذار است؛ بنابراین به طور ساده می‌توان گفت که اگر قصد داریم رفتار افراد را هدایت کنیم

ابتدا می‌بایست ارزش‌های آن‌ها را شناسایی و هدایت نماییم. از این رو است که امام خمینی (ره) فرهنگ را «اساس یک ملت» دانسته است (دبیری مهر و ثاقب، ۱۳۹۰: ۲۸). امروز هویت به طور فزاینده‌ای با مفاهیم حاکمیت و امنیت مرتبط شده است. نکته حائز اهمیت در زمان حاضر تبیین هویت اسلامی و انقلابی و تبیین چالش‌های پیش رو و چگونگی مواجهه با آن است. اصطلاح هویت به معنی مجموعه‌ای از عوارض و اوصاف پایدار است که به اعتبار آن از دیگران متمایز می‌شود. شاید یکی از عوامل رواج این اصطلاح به دلیل تحقق پدیده‌ای است که امروز به آن «بحران هویت» می‌گویند (امیری، ۱۳۷۴: ۱۱۶). در واقع تعارضات هویتی می‌تواند به عنوان یک شکاف و نقطه ضعف در فرهنگ ملت‌ها به شمار رود و حفره‌ای است که دشمنان با آگاهی از آن، عملیات روانی را در حوزه اجتماعی و فرهنگی سازماندهی می‌نمایند.

باید توجه داشت که نفوذ مدرنیته در ایران کارکردهای طبیعی، تاریخی و مشخصه‌های هویتی ما را دچار اختلال جدی کرده است. مدرنیته از طریق بی‌دخالتی ما در شکل‌گیری وضعیت نوین کشورمان، بحرانی در وضعیت اجتماعی و فرهنگی ما ایجاد نموده است، یعنی ایرانی بودن ما را دچار مسئله کرده است. در اثر مدرنیته چه بخواهیم و چه نخواهیم، ما کس دیگه‌ای شدیم. ما نه «آئیم» و نه این، یعنی نه ایرانی به معنای پیشین و تاریخی آن هستیم و نه غربی، میان این و آن مانده‌ایم و هویتی بحرانی داریم (هودشتیان، ۱۳۸۳: ۱۷۱-۱۷۳).

بدون شک عملیات روانی غربی‌ها و ترویج ارزش‌های غربی توسط رسانه‌هایشان و جذابیت آن در جذب مخاطبین به تغییر رفتار منجر شده و جامعه جوان ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد و پیامدهای سنگینی را به همراه دارد. رسانه‌های غربی درصددند با بزرگ‌نمایی آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی و مسائلی چون حاشیه‌نشینی، ایدز، ابتدال

جنسی، اعتیاد، فقر، قاچاق مواد مخدر و انسان و نابرابری‌های اجتماعی، برآیند وضعیت اجتماعی کشور را نابسامان جلوه دهند و وانمود کنند که ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی مورد نظر نظام کم‌رنگ شده و مردم رفتارهای متفاوت از خود نشان می‌دهند.

نیروی انتظامی برای خنثی سازی و مقابله با عملیات روانی دشمن در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی می‌بایست با اقدامات کارشناسی شده، سنجیده و مطابق با نیازهای جامعه، سنت‌ها و ارزش‌های اسلامی و هویت ملی را حمایت، ترویج و تبلیغ نماید و به مقابله با ترویج ارزش‌های غربی که جامعه و فرهنگ کشور ایران را نشانه گرفته‌اند، بپردازد. در این راستا نیروی انتظامی می‌تواند حدود و ضوابط قانونی عفاف و حجاب و ملاک‌های بدحجابی را در جامعه مشخص نماید. با افراد بدحجاب و باندهای اصلی فساد و فحشا مطابق با قوانین برخورد نمایند. به ایجاد سازمان‌های ذی‌ربط در فضا سازی تبلیغی و فرهنگی در کلیه مکان‌های عمومی و تفریحی اقدام نماید. به آگاه سازی جامعه از آثار مثبت اجتماعی و اخلاقی حجاب و عفاف و نتایج منفی عدم رعایت آن از طریق خلق آثار فرهنگی، هنری و تبلیغی اهتمام ورزد. از تولید، توزیع و نمایش محصولات سمعی و بصری غیر مجاز به نمایش لباس‌هایی که موجب بدحجابی می‌شوند ممانعت ورزند. با استفاده از برنامه‌های تبلیغی و ترویجی، باید ارزش‌ها و سنت‌های اسلامی و آداب و رسوم ایرانی- اسلامی را در قالب برنامه‌های متنوع و جذاب به مردم ارائه دهند و از توسعه و ترویج ارزش‌ها و فرهنگ غربی ممانعت به عمل آورند.

۵- بحث و نتیجه گیری

یکی از وظایف اصلی نیروی انتظامی برقراری نظم و امنیت در جامعه است که این وظیفه، چه در شرایط بحرانی و چه در شرایط عادی بر عهده نیروی انتظامی است. این نقش در زمان بروز بحران پررنگ‌تر می‌شود و نیروی انتظامی باید در کم‌ترین زمان ممکن، نظم و امنیت را به جامعه برگرداند. نقش نیروی انتظامی در سال‌های اخیر، برای مقابله با عملیات روانی دشمن بیش از پیش مورد تاکید قرار می‌گیرد به طور مثال سه ساله بدحجابی برای برخی تبدیل به یک مسأله سیاسی برای مقابله با نظام و ارزش‌ها شده است، از این رو نیروی انتظامی باید آمادگی‌های لازم را داشته باشد و با تقسیم کار رسالت خود را به بهترین شکل ممکن انجام دهد و در این زمینه به اقدامات و عملیات پیشگیرانه به جای اقدامات واکنش‌گرایانه دست بزند. از این رو وظیفه نیروی انتظامی نسبت به گذشته بیشتر و حساس‌تر شده و نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای را پیدا کرده است.

نیروی انتظامی برای خنثی‌سازی عملیات روانی دشمن در حوزه سیاسی، در برابر شورش‌ها و بی‌نظمی‌ها می‌بایست با حفظ و رعایت حقوق طبیعی افراد جامعه، با اقدامات برنامه‌ریزی شده و سنجیده، در کوتاه‌ترین زمان ممکن نظم و امنیت را در جامعه برقرار نماید و مانع از بروز درگیری‌ها و هرج و مرج‌ها در ابعاد گسترده در جامعه شود. نیروی انتظامی می‌تواند با برخوردهای غیر سرکوب‌گرایانه، تا حد امکان با ملایمت و با افزایش آستانه تحمل خود و در چارچوب قانون در برابر اعتراضات و جنبش‌های اجتماعی، امکان هرگونه سوء استفاده دشمن را منتفی سازد. همچنین نیروی انتظامی باید تحت برنامه‌ریزی معقولانه و منعطف و مدیریت کارآمد در مناطق قومی، از برخوردهایی که می‌تواند منجر به نارضایتی‌های دامنه‌دار و بهانه‌ای برای مخالفان و دشمنان شود، خودداری کند.

سرمایه به عنوان موجودی هوشمند، در جایی که امنیت وجود داشته باشد، گسیل می‌شود و به عنوان یکی از عوامل شکل دهنده بسترهای اقتصادی در جامعه است. مبارزه با قاچاق و باندهای مرتبط با جرایم اقتصادی نقش ناجا در ایجاد حماسه اقتصادی را بر جسته می‌کند. حضور ناجا از مبدأ تولید کالا تا مصرف و همچنین صادرات همواره ملموس است. مسأله مهمی که در حوزه اقتصادی در حال حاضر به وجود آمده، حضور شرکت‌های هرمی است که نقش نیروی انتظامی را با مشارکت سیستم قضایی بیش از پیش پر رنگ کرده است.

در زمان تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی نیروی انتظامی به عنوان یک نیروی هم سو با افراد جامعه، می‌توانند در این زمینه نیز تعاملاتی را با مردم داشته باشند و در زمان بروز اختلالات و هرج و مرج‌هایی در جامعه، نیز می‌توانند با بردباری و رعایت حقوق افراد در چارچوب قانون وارد عمل شوند.

نیروی انتظامی برای خنثی سازی و مقابله با عملیات روانی دشمن در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی می‌تواند با اقدامات کارشناسی شده، سنجیده و مطابق با نیازهای جامعه، سنت‌ها و ارزش‌های اسلامی و هویت ملی را حمایت، ترویج و تبلیغ نماید و به مقابله با ترویج ارزش‌های غربی که جامعه و فرهنگ کشور ایران را نشانه گرفته‌اند، بپردازد. به طور مثال در این زمینه نیروی انتظامی می‌تواند، به ایجاد سازمان‌های ذی‌ربط در فضا سازی تبلیغی و فرهنگی در کلیه مکان‌های عمومی و تفریحی اقدام نماید و به آگاه سازی جامعه از آثار مثبت اجتماعی و اخلاقی حجاب و عفاف و نتایج منفی عدم رعایت آن از طریق خلق آثار فرهنگی، هنری و تبلیغی اهتمام ورزد.

نیروی انتظامی به عنوان یک سازمان اجتماعی، هدفی بزرگ تحت عنوان برقراری امنیت اجتماعی و سیاسی را دنبال می‌کند که برای تحقق این هدف، لازم است با همه نهادهای کشور از جمله رسانه‌ها تعامل داشته باشد.

رسانه‌ها در عرصه‌های مختلف اجتماعی و امنیتی و در به طور مثال در حوزه انتخابات در جهت دهی و امید بخشی به مردم نقش موثری دارند و برای مقابله با نگاه مغرضانه رسانه‌های بیگانه، نیاز است رسانه‌ها و نیروی انتظامی، در کنار یکدیگر قرار گیرند. نقش مهم رسانه‌های داخلی در حوزه امنیت سیاسی و اجتماعی، مقابله با عملیات روانی رسانه‌های بیگانه است. رسانه‌های بیگانه با قصد و غرض، هدف ایجاد تشنج و یأس و ناامیدی و ناباوری نسبت به مسئولان نظام را دنبال می‌کنند. نیروی انتظامی به عنوان یک سازمان اجتماعی، هدفی بزرگ تحت عنوان برقراری امنیت اجتماعی را دنبال می‌کند که برای تحقق این هدف، لازم است با همه نهادهای کشور از جمله رسانه‌ها تعامل داشته باشد. هم اندیشی با رسانه‌ها، موجب می‌شود بتوانیم برنامه ریزی منسجم و سازماندهی ماندگاری در قبل، حین و پس از برگزاری انتخابات داشته باشیم تا مقابله‌ای منطقی، علمی و کاملاً موفق در برابر تهدیدهای رسانه‌های بیگانه انجام شود و عملیات روانی دشمنان را در ابعاد مختلف خنثی نماییم. رای متحد شدن رسانه در مقابل عملیات روانی رسانه‌های بیگانه که اندیشه‌هایی پوچ در افکار خود دارند، باید دستگاه‌های امنیتی در کنار رسانه‌ها، با هوشیاری حلقه‌ای مقابله‌ای و امنیتی به وجود آورند.

در پایان باید به این نکته اشاره کنیم، که نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در جهت برقراری نظم و امنیت، نیازمند واقعی کمک و حمایت مردم است. خدمتگزاری واقعی از آن جهت که پلیس در تعاملات مستقیم خود با مردم به خوبی نیازهای واقعی

آن‌ها را درک و مناسب‌ترین خدمت را به آن‌ها ارائه می‌کند، وجود دارد. پلیس نباید و نمی‌تواند به تنهایی بار مسئولیت تأمین نظم و امنیت را در جامعه به دوش بکشد و از این رو کارکنان نیروی انتظامی باید بیش از گذشته تلاش کنند تا شهروندان را در تمامیت کار پلیس مشارکت دهند. نیروی انتظامی به منزله سازمانی است که از بطن مردم برای خدمتگزاری به مردم برخاسته است، پلیس از مردم و برای مردم است و باید با مردم باشد تا بتواند نیازهای واقعی آنان را درک و از میزان رضایت آن‌ها از عملکرد خود مطلع شود.

منابع و مأخذ:

- اسکناسی، الکساندر (۱۳۷۷)، نقش عملیات روانی در مأموریت‌های نظامی، در تبلیغات و جنگ روانی، ترجمه حسین حسینی، تهران- دانشگاه امام حسین (ع).
- ابراهیمی خوسفی، منصور (۱۳۸۷)، جنگ نرم؛ عملیات روانی و فریب استراتژیک، جلد چهارم، تهران، ابرار معاصر.
- امیری، مجتبی (۱۳۷۴)، نظریه برخورد تمدن‌ها، هانتینگتون و منتقدانش، تهران، وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات.
- ابراهیم زاده، اسماعیل (۱۳۷۴)، تأثیر عوامل نظام بین‌المللی بر تصمیم‌گیری سیاست خارجی، مجله سیاست خارجی، سال نهم، شماره ۴.
- براتی، رضا (۱۳۷۶)، مبانی نظری و عملی جنگ روانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).
- بی تا (۱۳۸۶)، تبارشناسی و تحولات عملیات روانی و جنگ روانی، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

- جوانمرد، مهدی؛ یوسفی، حسین (۱۳۸۷)، باز آرایبی فرهنگ و تأثیر مؤلفه های روانی در دفاع غیر عامل، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۰.
- چالوک، غلامرضا؛ کلینی، نوید؛ (۱۳۹۱)، پدافند غیرعامل در حوادث رادیواکتیو، فرماندهی انتظامی استان بوشهر، دفتر تحقیقات کاربردی.
- حسین شاهی، آزاده (۱۳۸۸)، مبانی، اصول و شیوه‌های پدافند غیر عامل، تهران، انتشارات مدرسه.
- حکیم آرا، محمد علی (۱۳۸۴)، ارتباطات متقاعد گرانه و تبلیغ، تهران، انتشارات سمت.
- دبیری مهر، امیر؛ ثاقب، هومن (۱۳۹۰)، عملیات روانی علیه جمهوری اسلامی ایران در افق ایران ۱۴۰۴، فصلنامه ره نامه سیاست گذاری، سال دوم، شماره ۳.
- ریاحی، محمدرضا (۱۳۹۰)، ایران و آمریکا، توسعه تضاد در بستر قدرت نرم رسانه، چاپ اول، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- رفیع، حسین و جواد قربی، سید محمد (۱۳۹۰)، بازخوانی قدرت نرم؛ مطالعه موردی عملیات روانی، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال سوم، شماره ۱۲.
- صالحی امیری، سید رضا (۱۳۸۷)، هویت، پژوهش‌شکده تحقیقات راهبردی، گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی، شماره ۱۹.
- کاکاوند، روح الله (۱۳۹۱)، ناجا و پدافند غیرعامل (رویه‌ها و رویکردها)، کرمان، دفتر تحقیقات کاربردی نیروی انتظامی.
- کیل بین، مایکل (۱۳۸۸)، ایالات متحده و عملیات روانی به مثابه دیپلماسی عمومی (ترجمه مجید اعزازی)، نشریه افق، سال هشتم، شماره ۶۴.

- مرادی، حجت الله (۱۳۹۰)، نگاهی نوین به عملیات روانی سخت و نرم، فصلنامه علمی، تخصصی عملیات روانی، سال هفتم، شماره ۲۸.
- موحدی نیا، جعفر (۱۳۸۸)، اصول و مبانی پدافند غیرعامل، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه صنعتی مالک اشتر.
- محمدی، کیوان (۱۳۹۱)، پدافند غیر عامل، نشریه وزارت راه و شهرسازی، سال هفدهم، شماره ۱۳۵.
- نصر، صلاح (۱۳۸۱)، جنگ روانی (ترجمه محمود حقیقت کاشانی)، تهران، انتشارات سروش.
- نیازی تبار، حسن (۱۳۸۷)، پدافند غیر عامل و تسلیحات کشتار جمعی، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- هودشتیان، عطاء (۱۳۸۳)، مدرنیته، جهانی شدن و ایران، تهران، چاپ پخش.
- Ward, bard M (۲۰۰۳) , “strategic influence operations the information connection “, strategy research project, Pennsylvania:U.S. army war college